مهدی خاقانی اصفهانی، عضو هیئت علمی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها:

ایران نیازمند تدوین یک قانون جامع مهاجرت است

■ سیاست مهاجرتی نیازمند انعطاف‌پذیری، واقع‌گرایی و نگاهی انسانی است

فرهیختگان

مهدی خاقانی اصفهانی، استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، در نشست علمی تخصصی «بازخوانی کلان استراتژی‌های جمهوری اسلامی در نسبت با جنگ دوازده روزه» ذیل محور مهاجرت و سیاست‌های مهاجرت‌پذیری ایران از منظر جامعه‌شناسی حقوقی و حقوق کیفری، در اندیشکده مطالعات ایران پژوهشکده شهید صدر به ارائه سخنرانی پرداخت و با اشاره به رویکرد غالب کشورهای گوناگون دنیا مبنی بر این که تعداد مهاجران نباید بیش از سه درصد جمعیت کشور افزایش پیدا کند و بیش از این میزان، در ساختار جمعیت‌شناختی داخلی کشور اختلال ایجاد می‌کند، چالش‌ها و خلأهای ناشی از سیاست‌گذاری حقوقی و قوانین مهاجرت‌پذیری کشور و فقدان قانونی در برخی مسائل مربوط به اتباع را مورد نقد و ارزیابی قرار داد.

■■■

حمیدرضا دهقانیان
مدیر اندیشکده مطالعات ایران

اندیشکده مطالعات ایران پژوهشکده شهید صدر بنا بر رویدادهای اخیر و جنگ دوازده‌روزه یک بزرگ‌ترین حادثه پس از جنگ بود احساس کرد که یک بازخوانی در کلان‌استراتژی‌های جمهوری اسلامی در نسبت با جنگ دوازده روزه و وضعیت پیش‌آمده نیاز است و محورهای پنج‌گانه عمده‌ای را که در پساجنگ بیش از هر چیزی مشهود بود، در دستور کار بررسی و تحلیل قرار داد. یکی از این محورها مسئله «مهاجرت و سیاست‌های مهاجرت‌پذیری ایران» است. مسئله مهاجران افغانستانی به ویژه پس از استقرار حکومت طالبان و افزایش مهاجرت آنان به سوی مرزهای ما تبعاتی را برای ایران در پی داشته است. طبق آمارهای رسمی، بازده میلیون مهاجر رسمی و غیررسمی افغانستانی در کشور داریم و گفته می‌شود بیش از شش تا هفت میلیون آن مهاجران غیرقانونی هستند که در فرایندهای رسمی جایی ثبت و ضبط نشده‌اند. در جلسه اخیر، بخشی از عملیات‌ها و اقدامات بر عهده مهاجرانی بوده که هویت مشخص نداشته‌اند و قابل رهگیری نبوده‌اند که چون استقرار قانونی و حقوقی نداشته‌اند مطمح نظر اقدامات خارج‌کارایت جه در جمع‌آوری اطلاعات و چه در اجرای عملیات بوده‌اند. بنابراین سامانه‌دهی مسئله مهاجران یکی از مسائل جدی است که ما با آن روبه‌رو هستیم. خود مسئله مهاجرت در ایران که پیش‌تر سویه اقتصادی آن خیلی مطرح بود، اکنون سویه امنیتی آن، مسئله سامانه‌دهی را پررنگ‌تر کرده است و تاکنون بیش از یک میلیون از مهاجران افغانستانی به کشورشان بازگشت داده شده‌اند و این همچنان ادامه دارد. اما این که ما از لحاظ سیاسی نسبت به مهاجرت که، یک بدیده طبیعی در دنیاست چه تمهیداتی اندیشیده‌ایم و تبعات نحوه برخورد ما با مسئله مهاجرت چگونه خواهد بود که چه‌بسا این نحوه برخورد با مهاجران باز هم می‌تواند از جهت امنیتی برای ما تبعاتی داشته باشد، نیاز به بررسی همه‌جانبه‌ای دارد و بر این اساس یکی از محورهای بازخوانی استراتژی‌های کلان ایران، بحث مهاجرت و ابعاد سیاسی و حقوقی آن است که در تطبیق با سیاست‌های مهاجرت‌پذیری سایر کشورها در دنیا براساس به آسیب‌شناسی و بازاندیشی انتقادی و نیز راهبردهای پیشنهادی برای حل مسئله برسیم.

مهدی خاقانی اصفهانی
استاد دانشگاه

ابعاد گوناگون پدیده مهاجرت با چالش‌های پیش‌آمده از حیث تحمیلی دوم جمهوری اسلامی از منظر مختلف قابل بررسی است. ما سابق بر علوم دیگر مورد مطالعه است. از دید علوم انسانی گوناگون، موضوع مهاجرت از رویکرد نظریه‌های مختلف در فلسفه، جامعه‌شناسی، ارتباطات، حقوق، علوم‌سیاسی و... دائماً مورد مطالعه است و این بویژه پدیده مهاجرت از جهاتی نزدیک به مرزهای آسیب‌ها و جرایم هستند. مثلاً این افراد با نقض هنجارها، حاشیه‌ای می‌شوند و شاید در این وضعیت، تضعیف هنجارهای اجتماعی برای آن‌ها به حالت عمومی تبدیل شود که حتی به بی‌هنجاری منجر شود و در این شرایط، افراد در بازه انحراف تا جرم قرار می‌گیرند. حتی در مواردی آسیب‌پذیری آن‌ها بیشتر خواهد بود و در مواردی نیز از والدین جدا شده و جزء انحرافات و جرایم قرار می‌گیرند که در این صورت با مجتمعی شدن مجموعه این شرایط به صورت ظهور بزهکاری و یا بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان (نسل سوم مهاجران)، هم خودشان و هم جامعه ایرانی در این گروه مدنظر قرار می‌گیرند.

برخی مدعی اند تا توجه به ورود این به دوره سالمندی جمعیت، بهره‌گیری از ظرفیت مهاجران به عنوان نیروی کار جوان و فعال اجتماعی زیاد خواهد داشت. مهاجران افغانستانی با توجه به ساختار جمعیتی جوان خود می‌توانند نقش کلیدی در تأمین نیروی کار آینده ایران ایفا کنند و مشروط بر اینکه سیاست‌های مناسبی برای مال مردم ایران تأمین می‌شود و در آینده در تولید دخیل و احراز شود.

اهمیت توجه به تنوع و پیچیدگی‌های پدیده مهاجرت افغانستانی‌ها در ایران و تدوین سیاست‌های جامع، مدیرانه و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، بیش از پیش احساس می‌شود. بدون این رویکرد، نتیجه امکان بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های این گروه فراهم نمی‌شود، بلکه مشکلات ناشی از تبعیض، ابهام هویتی و نارضایتی‌های اجتماعی تشدید خواهد شد که پیامدهای آن برای جامعه و سیاست‌گذاری‌های آینده بسیار پرهزینه خواهد بود. همچنین شرایط سیاسی و اقتصادی افغانستان نقش تعیین‌کننده در ماندگاری یا بازگشت مهاجران دارد.

مهاجران عامل بیکاری نیستند

طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰، بیشترین درصد بیکاری مربوط به کارگران ساده است که بیشتر آن‌ها مهاجران افغانستانی هستند. با وجود کارگران افغانستانی معمولاً در مشاغل سطح پایین و ساده مشغول به کار شده و نمی‌توانند در فرودهای مختلف، فاقد سیاست مشخص و برنامه‌محور باشند در برخی اسناد ما که مهاجران اجازه حضور ندارند، نرخ بیکاری بسیار بالاتر است. بنابراین، نمی‌توان مهاجران را عامل اصلی بیکاری در ایران دانست. در برخی مناطق ایران که به طور رسمی مهاجران افغانستانی اجازه حضور ندارند، نرخ بیکاری بسیار بالاست. برای نمونه، استان‌هایی مثل کرمانشاه و ایلام که حضور مهاجران ممنوع است، بالاترین نرخ بیکاری را دارند. این داده‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان مهاجران را به عنوان مقصر اصلی مشکلات اشتغال در نظر گرفت. از سوی دیگر در دهه‌های گذشته، جمهوری اسلامی این اقدامات متعددی برای ساماندهی مهاجران انجام داده اما ضعف‌های ساختاری و عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها مشکلات زیادی ایجاد کرده است. برای مثال، صدور حجم بالای ویزاهای کاری بدون برنامه‌ریزی دقیق باعث دضه کنترل مناسبی روی حضور مهاجران وجود نداشته باشد.

همراهان مهاجر افغانستانی بسیاری از مشکلات سخت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند بیکاری، فقر و عدم دسترسی به خدمات رفاهی و بهداشتی را تجربه می‌کنند، بالا حل اسناد مشکلات ما و هر چی سیاست‌گذاران، این مشکلات را فعلب مسئله‌ای امنیتی و تهدیدی برای جامعه ایرانی معرفی می‌کنند و فشار کمپین‌های حقوق بشری بین‌المللی هم بدید آمده است.

برخی مسائل حقوقی اتباع در ایران

در مورد تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، ماده واحده اصلاح این قانون (مصوب ۱۳۹۸)، دو ابراد دارد: ۱) عبارت «ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی»، ۲) در صورت نداشتن مشکل امنیتی، بر اساس بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، همچنان مصادیق اعطای تابعیت اصلی شامل مواردی می‌شود که فرزند متولد از مادر ایرانی از آن محروم است. همچنین قانون‌گذار تنها تعلق تابعیت اکتسابی به این فرزندان را منوط به ازدواج از جمله فقدان مشکل امنیتی نموده است. قانون‌گذار با تأکید بر شرط ازدواج شرعی والدین، الزامات قانونی ازدواج را نیاز بیگانه را بدون ضمانت اجرای حقوقی رها ساخته است. در حالی که این نامه آن را محدود به ازدواج‌های شرعی قبل از اجرای قانون نموده است. همچنین تبصره ۴ ماده واحده به طور کلی برای اشخاص بدون تابعیت متولد در ایران از پدر و مادری که یکی از آن‌ها وجود بعد از تصویب قانون، اجازه داده شده باشد، امکان تابعیت ایرانی را فراهم کرده است. که‌ای کاش اولویت را به فرزندان دارای مادر ایرانی می‌داد، نه اینکه آن‌ها را در عرض افراد بیگانه قرار می‌داد. این امر موجبات افزایش مشکلات اجرایی و تبعیض در این گروه شده است.

مهاجران افغانستانی خود نیز از نرخ قومی، فرهنگی و زبانی برخوردارند. هزاره‌ها که سال‌ها ارتباط فرهنگی و اجتماعی با ایران داشته‌اند، نسبت به پشتون‌ها در فرایند کمتری با چالش‌ها مواجه‌اند. بهتر ادغام شدن مهاجران افغانستانی در ایران و وجود تنسل سوم و چهارم آن‌ها، هنوز شناخت دقیق و کامل نسبت به این پدیده فراهم نشده است. بسیاری از مهاجران نسل سوم، از نظر فرهنگی، اجتماعی و حتی ظاهری کاملاً ایرانی به نظر می‌رسند. مطالعات جامع و کافی پیرامون مهاجران افغانستانی در ایران بسیار محدود است و عمدتاً به موضوعاتی مانند سازگاری، طرد اجتماعی، احساس تبعیض و تمایل به بازگشت پرداخته شده است. اما بررسی لگوهای جدید مهاجرت، به ویژه مهاجرت عبوری و چندمرحله‌ای، هنوز به شکل جدی مطالعه نشده است. این تمایل به مهاجرت ریشه در تبعیض‌ها و استیگمای موجود در جامعه ایران نسبت به مهاجران افغانستانی دارد. هرچند ایران خدمات زیادی به این مهاجران ارائه کرده است، اما این افراد اغلب احساس می‌کنند که از سوی ساختارهای قانونی و جامعه دچار تبعیض سیستماتیک هستند. مثلاً در دریافت خدمات ساده‌ای مانند سیم‌کارت یا افتتاح حساب بانکی با مشکلات مواجهند. همچنین رسانه‌ها و فضای عمومی تصویری منفی و کلیشه‌ای از مهاجران ارائه می‌دهند که باعث افزایش احساس طرد و تبعیض در این گروه شده است.

مهاجران افغانستانی خود نیز تنوع قومی، فرهنگی و زبانی برخوردارند. هزاره‌ها که سال‌ها ارتباط فرهنگی و اجتماعی با ایران داشته‌اند، نسبت به پشتون‌ها در فرایند کمتری با چالش‌ها مواجه‌اند. بهتر ادغام شدن مهاجران افغانستانی در ایران و وجود تنسل سوم و چهارم آن‌ها، هنوز شناخت دقیق و کامل نسبت به این پدیده فراهم نشده است. بسیاری از مهاجران نسل سوم، از نظر فرهنگی، اجتماعی و حتی ظاهری کاملاً ایرانی به نظر می‌رسند. مطالعات جامع و کافی پیرامون مهاجران افغانستانی در ایران بسیار محدود است و عمدتاً به موضوعاتی مانند سازگاری، طرد اجتماعی، احساس تبعیض و تمایل به بازگشت پرداخته شده است. اما بررسی لگوهای جدید مهاجرت، به ویژه مهاجرت عبوری و چندمرحله‌ای، هنوز به شکل جدی مطالعه نشده است. این تمایل به مهاجرت ریشه در تبعیض‌ها و استیگمای موجود در جامعه ایران نسبت به مهاجران افغانستانی دارد. هرچند ایران خدمات زیادی به این مهاجران ارائه کرده است، اما این افراد اغلب احساس می‌کنند که از سوی ساختارهای قانونی و جامعه دچار تبعیض سیستماتیک هستند. مثلاً در دریافت خدمات ساده‌ای مانند سیم‌کارت یا افتتاح حساب بانکی با مشکلات مواجهند. همچنین رسانه‌ها و فضای عمومی تصویری منفی و کلیشه‌ای از مهاجران ارائه می‌دهند که باعث افزایش احساس طرد

جرایم شایع و مهم افغانستانی‌ها

۱ فاقجاق انسان با رضایت، اجبار، اکراه، تهدید، فریب یا سو استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا وضعیت فردی‌ا افراد یا شدن یا قصد فراهم‌ساختن موجبات فحشا یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، بردگی و یا ارائه اجباری خدمات کار و هرگونه فعالیت از قبیل تحویل دادن، تحویل گرفتن، انتقال، نگهداری و پنهان کردن این افراد پس از عبور از مرز و در هر نقطه از کشور. کارگزاران این شبکه که مصداق بارز فاقجاق انسان است شامل صاحبان سرمایه در کشورهای فرستنده، راننده‌گان فوق‌حرفه‌ای، رابیلدها، رابیات‌کن‌ها (فاقد جرم‌انگاری این رفتار در ایران)، رابط‌ها، کارفرمایان در کشور مقصد و مأموران دولتی است و در این فرایند مجموعه وسیعی از فساد و بزه در جریان است.

۲ جرایم مواد مخدر و روان‌گردان (فاقجاق، حمل، تولید، ساخت پیش‌سازها، توزیع، مصرف، شبکه‌سازی نیروی انسانی یا ماده مجرمانه)

۳ جرایم امنیتی (مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات، اجاره اراضی در نواحی مجاور محوطه‌های استقرار لانجرهای موشک و دیگر استحکامات نظامی)، سبل

تصویب قوانین متعدد، پراکنده و گاه متناقض، بدون پشتوانه پژوهشی یا جرم‌شناسانه

از منظر جرم‌شناسی نیز باید دید که آیا حضور این مهاجران منجر به افزایش جرایم شده یا خیر. ما به قانون جامعی نیاز داریم که نه‌تنها تکلیف ورود، اقامت، اشتغال، تملک و تابعیت را مشخص کند، بلکه با نگاهی پیشگرانه نه به صرفاً کیفری، سامانه‌دهی و کنترل مهاجران را در دستور کار قرار دهد. در بسیاری از کشورها، از جمله کانادا، مهاجرت به‌عنوان ابزار توسعه تلقی می‌شود. در عرض، کشور ما فاقد زیرساخت‌های اطلاعاتی دقیق، آمار شفاف و رویکرد علمی است. همین موضوع باعث شده است که نگاه موجه‌گرایانه و احساسی جای تحلیل منطقی را بگیرد؛ به‌گونه‌ای که برخی تمام مشکلات کشور را به حضور مهاجران نسبت می‌دهند و آن‌را تهدیدی برای تمامیت سرزمینی تلقی می‌کنند. در این زمینه، استناد به اصول قانون اساسی نیز راهگشاست. اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را حامی مستضعفان جهان می‌داند. همچنین اصل ۱۵۵ اجازه پناهندگی سیاسی به افراد واجد شرایط را فراهم می‌آورد. این اصول باید مبنای اخلاقی سیاست‌گذاری‌ها ما قرار گیرد، نه اینکه نادیده گرفته شوند.

کشور بایست نیازمند تدوین یک قانون جامع مهاجرت است؛ قانونی که مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی، با نگاه چندبعادی (وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت کار، وزارت امور خارجه، قوه قضائیه و...) و تلفیقی از پایبند به ارزش‌های کیفری، مدنی، فرهنگی و اقتصادی باشد. نیز ضروری است که در این قانون، میان جرم، تخلف و انحراف تفاوت قائل شویم. نه همه مهاجران مجرم‌اند، نه همه خطرناک؛ این‌هایی که از شرایط عینی گریخته‌اند، باید مورد حمایت واقع شوند. از سوی دیگر، افراد خطرناک (قاچاقچیان انسان، تروریست‌ها، مجرمان حرفه‌ای) باید بحث تمایز جرائم قابل گزارش. سیاست مهاجرتی کشور نیاز مند انعطاف‌پذیری، واقع‌گرایی و نگاهی انسانی و اخلاقی است. مبادا افراط و تفریط‌ها با موج‌سواری رسانه‌ای ما را از ارزش‌های بنیادین‌مان دور سازد.

باید بین تمایز بین مهاجران غیرقانونی در جرایم مواد مخدر، اتوماً به معنای تبعیض آمیز بودن نظام کیفری نیست، بلکه ممکن است در نتیجه عوامل قانونی و موجه باشد. به دلیل آنکه به‌طور معمول مهاجران خارجی از ثبات شغلی برخوردار نیستند یا تحصیلات پایین و وضعیت اقتصادی نامطلوبی دارند، ممکن است از نظر کنشگران نظام عدالت کیفری خطرناک‌تر تلقی شوند.

جلوه‌های تبعیض در فرایند کیفری ایران افغانستان: ۱- کنترل و بازرسی افراطی، منجر به کشف درصد بالای مواد مخدر، در مقایسه با کنترل عادی اتباع ایران و غیرافغانستانی (موج جرم، نه نرخ جرم)، در حالی که فروش مواد به مشتریان طبقهٔ متوسط در اماکن خصوصی و با مقادیر زیاد (دفعات کمتر خرید و فروش) و غیرمستقیم از طریق پیک‌ها، اطلاع از مواد انجام‌ناپذیر شود و همین امر منجر به کاهش احتمال دستگیری است. ۲- عدم دسترسی به حمایت حقوقی مؤثر (فقدان وکیل تعیینی، فقدان مدارک هویتی حین دستگیری که منجر به تبدیل قرار وثیقه به بازداشت می‌شود، و نیز عدم اطلاع از رویه‌های حقوقی اثبات و اعتراض به دادنامه). حدود ۷۰ درصد قربانیان قتل‌های افاغنه خود اتباع افغان هستند و حدود ۳۰ درصد آن‌ها ایرانی‌اند. این جنایات عموماً با ضربات شدید و قجیع انجام می‌شود. در صورت فرار مجرمان افغانستانی به کشورشان، شناسایی و دستگیری آن‌ها بسیار دشوار است و همین موضوع باعث طولانی شدن فرآیند دادرسی می‌شود.

جریمه به کارگیری اتباع غیر مجاز در سال ۱۴۰۳، که بابت هر روز اشتغال غیر مجاز مبلغ ۹،۹۲۳،۶۴۰ ریال تعیین کرده‌اند و در صورت تکرار تخلف این میزان دو برابر خواهد شد، اصلاً اجرا نمی‌شود.

در مورد طرح تأسیس سازمان ملی اقامت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ برگزار شد، بر لزوم ساماندهی وضعیت اتباع خارجی در ایران و ضرورت تمرکز تصمیم‌گیری‌ها برای حل مسائل این قشر تأکید کردند. در این جلسه، درخواست گروهی از نمایندگان برای بررسی و رسیدگی به طرح تأسیس سازمان ملی اقامت بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی با ۱۳۸ رأی مخالف و رد شد. مخالفان این طرح معتقد بودند که ایجاد چنین سازمانی علاوه بر تحمیل بار مالی بر دوش دولت، در تضاد با طرح‌های پیشین مانند قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی است که پیش‌تر در مجلس دهم تصویب شده بود. اما در تاریخ ۲۱ آبان ۱۴۰۲، نمایندگان مجلس شورای اسلامی کلیات طرح تأسیس سازمان ملی اقامت را تصویب کرده و جزئیات آن را برای بررسی بیشتر به کمیسیون امور داخلی ارجاع دادند، اما به پایان دورهٔ یازدهم مجلس نرسید. این طرح در مجلس دوازدهم مجدداً دستور کار نمایندگان مجلس قرار گرفته است؛ در مرداد ماه ۱۴۰۳ در صحن علنی مجلس اعلام وصول و به کمیسیون شورای‌های مجلس جهت بررسی ارجاع داده شده است.

در این طرح، بندی وجود دارد که در مورد اعطای پارانه به اتباع خارجی صحبت می‌کند. این بند بسیار چالش‌برانگیز خواهد بود و بدون شک مورد انتقادهای فراوانی قرار خواهد گرفت. در ماده ۱۲ این طرح آمده است که اگر اتهامی متوجه اتباع خارجی باشد، می‌توان آن‌ها را به ازدوگاه منتقل کرد. این موضوع به معنای کنار گذاشتن قانون آیین دادرسی کیفری است و از نظر حقوقی قابل قبول نیست. همچنین در این طرح پیش‌بینی شده است که پس از سه سال، اتباع خارجی می‌توانند اموال غیرمنقول خریداری کنند. با توجه به شرایط ژئوپولیتیک کشور ما، این امر منطقی به نظر نمی‌رسد. در ماده ۹ طرح آمده است که تحت شرایطی می‌توان به مهاجران تابعیت اعطا کرد؛ این در حالی است که این قانون در مورد اقامت تدوین شده و اقامت و تابعیت دو موضوع کاملاً جدا هستند. در این ماده، بین اقامت و تابعیت خلط شده است. آیا می‌توان قانون مدنی و مباحث مربوط به تابعیت را نادیده گرفت؟

حدود ۸۰ درصد جمعیت کشورهای حوزه خلیج فارس را مهاجران تشکیل می‌دهند و این کشورها به‌خوبی از ظرفیت آن‌ها استفاده می‌کنند. ما نیز باید از فرصت‌های موجود برای بهره‌برداری از اتباع خارجی استفاده کنیم. در شرایطی که هیچ برنامه‌ای برای حفظ نخبگان‌مان در کشور وجود ندارد و آن‌ها به‌راحتی از کشور خارج می‌شوند، ایجاد سازمانی برای ورود مهاجران چه توجیهی دارد. آن هم مهاجرانی که غالباً کارگر بوده و هزینه‌های زیادی به کشور تحمیل می‌کنند.

در این طرح، اعطای تابعیت‌های مدنظر با تأیید و امضاهای طلایی همراه است که باعث رانت می‌شود؛ اما ساماندهی مهاجران بی‌این شکل قابل قبول نیست. تابعیت ۱۰ سال داده می‌شود، اما وضعیت پس از این ۱۰ سال مشخص نیست و به تعبیری قدرت داده می‌شود.

متأسفانه در طرحی که در سال ۱۳۹۷ و سپس ۱۴۰۰ برای اصلاح مواد ۱۵ و ۱۶ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰ تنها جمعی از نمایندگان تهیه، تدوین و ارائه کردند در تبصره ماده ۱۶ آن مقرر شده بود که کمیسیون امور استانداری می‌تواند همسر و فرزندان تبعه اخراجی که مرتکب جرم شده است را از داشت کند. در غیر این صورت علاوه بر مجازات مذکور در این ماده، اموال مورد استفاده در جای با جابه‌جایی تبعه بیگانه نیز ضبط می‌شود.

در مورد طرح الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۰ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران (اعلام وصول شده به مجلس در سال ۱۴۰۳) ایراداتی زیر وارد است:

تبصره ۱- در راستای ساماندهی اتباع بیگانه مرتکب در ایران، وزارت کشور موظف است اقدامات زیر را انجام دهد:

الف- طرف یک ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون، نسبت به برخورد قانونی با کلیه اتباع غیر مجاز ساکن در ایران و طرد آن‌ها به کشور متبوع خود اقدام نماید. عبارت «برخورد قانونی» مبهم است.

ب- طرف سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون، آمایش سرزمینی و توزیع جمعیت اتباع را تهیه و ابلاغ نماید و به گونه‌ای اجرا شود که کل جمعیت اتباع بیگانه اعم (خدوته، همسر و فرزندان) وی ساکن و شاغل در هر شهر و در هر روستا و در هر شهرستان و در هر استان بیشتر از سه درصد کل جمعیت ساکن و شاغل در آن شهر و روستا و شهرستان و استان نشود. «زمینه‌ی دارند. اگر بیش از سه درصد هم بشود چه کنیم؟ بگوییم بر یک استان دیگر که کمتر از سه درصد است؟ اگر نرفت بازداشتش کنیم؟ اخراجش کنیم؟ به زور به یک استان دیگر بریم؟ عبارت، مبهم است.

تبصره ۳- هر شخص یا عامل و اطلاع اتباع بیگانه‌ای را که به طور غیرمجاز وارد کشور شده یا به طور غیرمجاز در کشور اقامت گزیده‌اند را به کارگیری نماید، به ازای هر نفر تبعه بیگانه، به حداکثر جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود. (نظر به مقررات تعدد جرم، این مجازات در حالت تعدد اتباع بیگانه، جمع نمی‌شود)

تبصره ۵- ارتشاء، تهدید، ارعاب، اغوا، اجتماعی و صنعت، معدن و تجارت و اتحادیه‌ای مربوط موظف به اجرای تبصره‌های (۳) و (۴) این ماده نظارت کنند و مستکتب یا مستکتبین از اجرای این تبصره به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند. (ناظر وبازرس اصناف و وزارت کم داریم. واحدهای صنفی کشور هنوز آمایش منابع انسانی نشده‌اند. کدام مهم یا کارمند در این نهادها مستکتب شناخته می‌شود؟)

در مورد طرح مبارزه با قاچاق انسان، مهاجران و اعضای بدن و مجازات عبور غیرمجاز از مرزهای کشور.

اعلام وصول شده به مجلس در سال ۱۴۰۳ نیز ایراداتی وارد است:

ماده ۲- هر شخص مرتکب قاچاق انسان اعم از تبعه ایران و غیرایران، علاوه بر حبس و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود. (تعزیر درجه ۴ برای این بندهای جرم ماده خطرناک، جای سبک است.)

ماده ۳- هر شخص، به هر طریقی مرتکب خارج یا وارد کردن یا وارد کردن غیر مجاز اتباع بیگانه به داخل یا عبور یا سایر شیوه‌ها و اجزای بین انسان اعم از زنده یا مرده مادیات مانند کلیه، خون و استخوان شود یا پس از ورود آن‌ها به داخل کشور مبادرت به حمل یا نگهداری آن‌ها کند، چنانچه اقدامات فوق به قصد تجارت و اغلب شاید به حبس و جزای نقدی درجه پنج و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. (محروم‌یت تردد خودش را بزند و ماهیش؟ اگر سهوی دارد این ماده! چرا محروم از تردد در دیگر مرزها باشد؟ یعنی دیگر خودش هم مثلاً از جده اتزانی به آستارا دیگر حق ندارد دو شود؟!)

ماده ۱۹- زنان، نوجوانان و اطفالی که حسب مورد به تبع خود بار سرپرست قانونی ورود و خروج غیر مجاز داشته‌اند، از شمول مجازات کیفری این قانون مستثنی می‌باشند و در هر صورت به کشور متبوع خود بازگردانده می‌شوند. (اگر شوهر یا پدر به حبس بیفتد و اگر در این صورت بخواهد یک نفر یعنی تعریفی از نوجوان بیاییم، بر تفسیر این ماده قابل تحمیل نیست. ولنگهی وقتی موضوع این ماده، اعضای بدن است، نه خود انسان، دیگر درج واژه «نوجوان» بی معناست. یعنی چه یعنی مثلاً استخوان نوجوان یا مرده نوجوان قیمت بیشتری دارد؟ ضمناً یک درجه تشدید کم است.)

ث- جرم با استفاده از سلاح واقع شده باشد یا نسبت به بزه دیده از مواد مخدر یا روان‌گردان استفاده شده باشد. (نسبت به خودش چطور؟ خودش برای جرئت‌یابی بیشتر و برای افزایش توان جسمی برای عبور دادن افراد از موانع و مناطق مرزی، روانگردان مصرف کرده باشد؟! اصلاً این فرض در ماده قانونی مزبور، پیش‌بینی نشده است.)

تبصره ۱- در صورتی که رفتار مرتکب موضوع ماده ۱ این قانون به قصد شرکت یا همکاری در فعالیت‌های علیه امنیت داخلی و خارجی یا تروریستی از طریق معرفی افراد به گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی واقع شود، مجازات مرتکب یک تا دو درجه تشدید می‌شود. (مجازات، خیلی کم است. این باید به کیفر اضافی (الاضرب سه) تبصره ۲- هر گاه رفتار مرتکب مشمول عنوان سردستگی گروه مجرم ماده سازمان‌یافته قرار گیرد، مجازات مرتکب دو درجه تشدید می‌شود. (سردسته باید سه نفر فاقاچاق انسان، اهمیتش بیشتر از قاچاق انسان با اهداف و آثار تروریستی است؟ کیفر تبصره ۲ خوب است، اما کیفر تبصره ۱ کم است.)

ماده ۶- هر فرد که با رضایت خود یا داشتن حداقل یکی از مقاصد مندرج در بند «الف» ماده ۱ این قانون، موجبات وقوع جرم قاچاق انسان را نسبت به خود فراهم کند، به مجازات معاون در جرم ارتکابی محکوم می‌شود. (مغایر حق یا هدفی و حق مهاجرت است. از این حیث نیاز مند اصلاح است.)

ماده ۷- هر شخصی که به منظور قاچاق انسان یا مهاجرین یا اعضای بدن آن‌ها مبادرت به شناسایی یا جذب یا معرفی افرادی در این خصوص در فضای حقیقی یا مجازی نماید، به حبس درجه شش یا جزای نقدی معادل دو برابر اموال و وجوه حاصل از جرم محکوم می‌شود. (این عملاً سردستگی در فضای مجازی است. کیفرش خیلی کم مقرر شده است.)

ماده ۸- خارج یا وارد کردن یا عبور دادن (ترانزیت) غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور بدون مقاصد مذکور در بند (الف) ماده ۱ این قانون و به منظور کسب منافع مالی مستقیم یا غیر مستقیم، قاچاق مهاجر محسوب می‌شود و مرتکب علاوه بر ضبط عواید حاصل از جرم و اموال مورد استفاده در ارتکاب جرم به مجازات حبس درجه پنج محکوم می‌شود و به ازای قاچاق هر نفر مهاجر به جزای نقدی معادل حداکثر مبلغ جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌گردد. (ضبط عواید حاصل از جرم باعث ناتوانی از عودت دادن پول دریافتی از فرد مورد قاچاق می‌شود. کیفر اگر نافقض حق جبران خسارت فرد مورد قاچاق بشود نداشتی است.)

تبصره- هرگاه شخصی، دیگری را به طور غیرمجاز از مرز عبور دهد و مشمول مورد فوق نباشد، به یک از مجازات‌های درجه شش محکوم می‌شود. (کیفر، کم و فاقد بازدارندگی است.)

ماده ۹- اتباع بیگانه‌ای قاچاق انسان که پرونده مرتبط با قاچاق آن‌ان در مراجع قضایی، در حال رسیدگی است یا منجر به صدور حکم شده است، با تشخیص مقام قضایی، به کشور متبوع خود بازگردانده می‌شوند. وزارت امور خارجه به درخواست مرجع خیلصاح، برای بازگردانندن اتباع مذکور با سایر اقدامات از جمله اخذ هزینه‌های انتقال و درمان با کشور متبوع آن‌ان و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مربوط به حمایت از قربانیان قاچاق انسان هماهنگی‌های لازم را به عمل می‌آورد. (حکم کلی و بدیهی است. متعرض چالش‌های عینی موضوع نشده. اگر آن کشور هزینه عودت تبعه‌اش را ندهد، ما باید بدهیم؟ این ماده صراحت ندارد. اگر کشور متبوع همکاری بکند اما کشورما میانه سیر همکاری نکنند تکلیف چیست؟)

ماده ۱۰- هر شخص با علم و اطلاع، تبعه بیگانه‌ای که به طور غیر مجاز وارد کشور شده و به طور غیرمجاز در کشور اقامت گزیده است را پس از اتمام به جا جابه‌جا نگهداری یا پنهان کند یا اسکان دهد، علاوه بر ضبط عواید حاصل از جرم، جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود. (اگر جرم به عادت باشد و مدت‌هاست مساوکرش اتباع است یا خانه به آن‌ها می‌دهد فقط یک کیفر بشود؟ از جیث قواعد حقوق کیفری عمومی، نادرست است.)

تبصره ۱- در صورت وجود یکی از شرایط زیر، مرتکب باید عدم علم و اطلاع خود را ثابت کند. در غیر این صورت علاوه بر مجازات مذکور در این ماده، اموال مورد استفاده در جای با جابه‌جایی تبعه بیگانه نیز ضبط می‌شود:

۱ در وسیله نقلیه تغییراتی به منظور تسهیل وقوع جرم ایجاد شده باشد.

۲ تبعه بیگانه در وسیله نقلیه به صورت مخفیانه حمل شده باشد.

۳ شروع حمل از مبادی غیررسمی مناطق مرزی انجام شده باشد.

۴ راننده از توقف در ایستگاه‌های ایست و بازرسی نیروی انتظامی خودداری کرده باشد.

۵ نگهداری و اسکان تبعه بیگانه در اماکن اقامتی به نیروی انتظامی محل اعلام نشده باشد. (ماده ۱ گفته اصلاً نباید سکن بدهیم این ماده می‌گوید اگر اسکان دادید باید اطلاع به پلیس بدهید. بالاخره گفته‌اید؟)

۶ مرتکب حداقل دارای یک فقره سابقه محکومیت کیفری نگهداری یا اسکان یا پنهان کردن تبعه بیگانه باشد. (ناقص است. باید مقرر می‌داشت یک فقره سابقه محکومیت کیفری به هر یک از جرایم موضوع این قانون. تا شامل بزه جرایم مخصوصاً جرم اصلی، یعنی قاچاق انسان نیز بشود.)

تبصره ۲- مشاورین اطلاع موظفند در تنظیم قراردادی که یکی از طرفین آن اتباع بیگانه باشند، اسناد اقامتی تبعه بیگانه را احراز نمایند و در صورت عدم احراز یا عدم ثبت قرارداد منعقدی مابین درسامانه معاملات اداره و سامانه معاملات کشور، مرتکب به مجازات معاونت در این جرم محکوم می‌شود. (چطور عدم احراز مشاور ملاک، توسط قاضی احراز شود؟ اگر مشاور املاک ادعا کند مشتری مسکن، یک مدرک هویتی آورد نشانه‌اش داد [در حالی که می‌داند مدرک فرد افغانستانی دیگری است] من هم قرارداد را با همین هویت ثبت کردم. تکلیف چیست؟)

ماده ۱۱ تبصره ۲- به پرونده متهم موضوع این ماده خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ صدور حکم دادگاه‌ها اجرای دستور اجرای حکم قاطع‌ترین به مدت دو ماه در ادوگاه نگهداری می‌